

# تلاش برای برچیدن ماهواره‌ها و

## نابهنگامی جمهوری اسلامی

تقی روزبه

برچیدن دیش‌های ماهواره، راه‌کاری است که جناح حاکم رژیم، بزعم خود برای خاموش کردن جنبش جوانان یافته است.

براساس اخبار منتشرشده، مدتی است که اداره کل مبارزه با مفاسد اجتماعی ناجا (نیروی انتظامی)، تهاجم گسترده‌ای را به خانه‌های مردم برای جمع‌آوری بشقاب‌های تلویزیونی، شروع کرده است. براساس همین گزارشات رسمی تاکنون بیش از هزار ماهواره در تهران جمع‌آوری شده است. رژیم انتظار دارد که در فاز نخست -از طریق تهدید و تشویق و مراجعه به خانه‌های مردم رفتن بیش از ۱۵۰ هزار آنتن ماهواره‌ای را جمع‌آوری کند. ناجا اعلام کرده است، که پس از یورش اول، با یورش وسیع‌تری مرحله دوم را به اجرا درخواهد آورد. علاوه بر این براساس گزارشات رسمی در همین رابطه بیش از هفتاد نفر بعنوان نصب‌کنندگان آنتن دستگیر شده‌اند

تهاجم به بشقابها بعنوان اسباب شر، بعنوان اولیه‌ترین نتایج پی‌جویی و علت یابی جناح حاکم، از شورش‌های اخیر جوانان در دستور کار قرار گرفته است. بزعم این دستگاه تحلیلی، عامل تحریک و اعتراض جوانان، مطابق همیشه، در خارج از مرزها قرارداشته و از طریق ارسال پیام‌ها و اخبار تحریک آمیز رسانه‌های خارج از کشور صورت گرفته است. تهاجم جناح حاکم به این ابزار ارتباطی را - هرچه هم که مضحک به نماید- باید در همین علت‌یابی جستجو کرد که سراسر نشریات وابسته باین جناح را اشغال کرده است. در زیر نگاهی داریم به مشخصه و برد واقعی این دستگاه تحلیلی:

نوع پاسخ‌گویی به معضلات، همواره یکی از شاخص‌هایی است که میتواند درعین حال ماهیت و ظرفیت یک سیستم و نظام حاکم را به بروشنی به نمایش بگذارد. این شاخص میتواند همچنین میزان استیصال و یا توانمندی یک نظام در برخورد با چالش‌های پیش‌روی خود را به نمایش بگذارد.

در این میان برخورد رژیم باماهواره‌ها و جمع‌کردن دیش‌های تلویزیونی از آن نوع اقداماتی است که هم ماهیت و هم ظرفیت و توان رژیم را در یک‌زمان در معرض دیدهمگانی قرار میدهد:

و قبل از همه ماهیت واپسگرا و ضدیت با آزادی و از جمله آزادی اطلاعات و اخبار را. چنانکه میدانیم امروزه انتشار اخبار و اطلاعات بیکی از شاخص‌ها و ملزومات تمدن نوین بشری تبدیل شده و از شروط اصلی رشد و توسعه ملتها بشمار میرود. در واقع از این منظر، جمع‌آوری دیش‌های ماهواره‌ای و یا پرتاب کردن آنها از بام‌ها و شکستنشان، در آغاز قرن بیست و یکم، پدیده‌ای به مراتب نابهنگام تر از آنچه را که در زمان بزرگ دن کیشوت به تصویر درآمده است به نمایش میگذارد. بدین ترتیب میتوان گفت که اقدامات و واکنشهای بازدارنده رژیم، ناخواسته نه فقط بر "نابهنگامی"، بعنوان علت اصلی و بیواسطه شورش‌های جوانان مهر تأکید مینهد و بر صحت و حقانیت این نظریه می‌افزاید، بلکه بر میزان این نابهنگامی، از آنچه هم که هست، می‌افزاید. رجعت بگذشته و اصلیت خود، در نظام‌هایی با ماهیت واپسگرا، وقتی که در برابر یک جنبش نوجو غافلگیر میشوند، امری تصادفی نیست. در این گونه نظام‌ها شیوه‌های مقابله با جنبش خود بطور اجتناب ناپذیری بردامنه و عمق جنبش می‌افزاید. و در پرتو رانش و سمت‌گیری براساس همین اصل کنش و واکنش است که ماهیت واپسگرایانه جمهوری اسلامی بیش از هر هنگامی نمایان تر میشود. از این رو افزایش مشابهت رژیم اسلامی با رژیم طالبان - و بهمین قیاس افزایش لعن و نفرین مردم نسبت به رژیم را - نباید امری تصادفی بشمار آورد. دو حکومتی که علی‌رغم اختلافاتشان، بهرحال مشابهت‌های بزرگی را - در عرصه تهاجرگرائی به نمایش میگذارند. در این رهگذر است که ادعای اصلاح طلبان و یا تمامیت‌خواهان برای نشان دادن تمایز خود با طالبان همسایه، رنگ می‌بازد

سترونی شیوه‌ها:

میدانیم که رژیم جمهوری اسلامی در گذشته بارها جنگ با ماهواره‌ها را آزموده و شکست خورده است. هم

بدلیل مقاومت مردم و هم بدلیل شکاف در بالاحول همین مساله. با این وجود برای نجات خویش در شرایطی که شعار مرگ بر رهبران نظام داده میشود، سراسیمه و بصورت واکنشی غریزی، بسوی ماهواره‌ها هجوم می‌برد. براساس همین تجربه‌های شکست خورده چندسال گذشته، براحتمی میتوان درجه پیروزی رژیم را حدس زد. تجربه‌هایی که اگر بعد زمان را به چندین ده سال گذشته گسترش دهیم، با مشاهده تجارب شکست خورده روحانیت تاریک اندیش درمقابله بارادیو، تلویزیون و دیگر مظاهرتمدن نوین بشری بازهم میزان موفقیتش را بهتر حدس خواهیم زد.

دردنیای امروز دامنه ابزار ارتباطات به مراتب گسترده تر و متحول تر از آنست که با جمع‌آوری و شکستن چندین دیش (حتی بفرض موفقیت دراین عرصه). بتوان دیوار چین بین ملت‌ها-دولت‌های جهان کشید و در پناه آن خاطر خویش را آسود.

جمهوری اسلامی درپناه هیچ چهاردیواری احساس آسودگی خاطر نخواهد داشت.

۲۹ اکتبر ۲۰۰۱